

## الگو پذیری از روش‌های تربیتی قرآن و اهل بیت (ع) در تربیت فرزندان

یوسف غریبی\*

### چکیده

تربیت فرزند از مسائلی است که همواره مورد توجه والدین و مربیان تربیتی می‌باشد، چرا که فرزندان به عنوان نسل و ذریه‌ی بشریت بوده و مدیریت و اداره‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم در آینده به دست آنان خواهد بود. مراجعه به سیره‌ی تربیتی اهل بیت (علیهم‌السلام) که به عنوان بزرگ‌ترین مربیان تربیتی در تمام اعصار بوده‌اند و بهره‌گیری از آن در جهت تربیت نسل امروز نیز خالی از لطف نخواهد بود.

بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی روش الگوپذیری در تربیت بر اساس سیره اهل بیت (ع) بوده که به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد قرآنی-روایی به بررسی آن می‌پردازد. اهل بیت (علیهم‌السلام) با اینکه در چهارده قرن پیش می‌زیسته‌اند، اما در تربیت نسل امروز نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند به گونه‌ای که با کاوش در روش‌های تربیتی آن بزرگواران می‌توان آنان را به عنوان مهم‌ترین الگوی تربیتی مربیان و والدین معرفی نمود.

**واژگان کلیدی:** قرآن، اهل بیت (ع)، الگوپذیری، تربیت، فرزند، روش‌های تربیت.

### مقدمه

تربیت فرزندان از موضوعاتی است که همیشه توجه روانشناسان و کارشناسان علوم تربیتی را به خود جلب کرده است، بدین سبب مهم‌ترین هدف قرار گرفته و یکی از راههای دستیابی به این هدف والا، کاویدن رفتارهای تربیتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام)

\* کارشناس ارشد و دبیر قرآن و عربی متوسطه اول آموزش و پرورش میناب Yousefgh58@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵



است؛ چرا که آنان از برترین مربیان تربیت بشری بوده‌اند و همیشه عملکرد این مربیان بزرگ برای بشر، درس آموز بوده است.

از سوی دیگر احیای شیوه‌های تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) و کاربردی کردن آن در جهت تربیت نسل امروز یکی از نیازهای مبرم والدین و مربیان تربیتی می‌باشد، چرا که ما در جامعه‌ای اسلامی زندگی می‌کنیم و این صحیح نیست که به معرفی این الگوهای بشری برای فرزندان خود نپردازیم تا الگوهای تربیتی آنان نظریه‌های برخی مدعیان غربی باشد و در مسیر تربیت از شیوه‌های تربیتی آن بزرگواران بهره نگیریم.

همچنین این مطلب قابل ذکر است که با توجه به شرایط کنونی والدین و مربیان تربیتی باید در مسیر تربیت نسل امروز کوشا باشند، زیرا آنان مدیران و مجریان جامعه‌ی آینده خواهند بود و غفلت از تربیت و هدایت نسل امروز موجب خسران جامعه می‌باشد.

بنابراین برای دستیابی به این مهم بررسی و احیای روش‌های تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) در جهت تربیت نسل امروز ضروری به نظر می‌رسد.

از این رو، در این پژوهش هدف آن است تا با بررسی سیره‌ی تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) و کاوش در روایات رسیده از آن بزرگواران، نقش آنان را به عنوان بزرگ‌ترین مربیان بشری برای تمام اعصار، در تربیت نسل امروز مشخص نموده و همچنین بهره‌گیری از سیره‌ی تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان برترین الگوهای جامعه بشری در تربیت نسل امروز که آثار گهرباری را بر جای خواهد گذاشت.

### پیشینه‌ی پژوهش

تا جایی که نگارنده بررسی نموده در زمینه‌ی موضوع مورد نظر تاکنون کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای که به طور مستقل موضوع مورد نظر را بررسی کرده باشد، یافت نشد. فقط در برخی از کتاب بحث تربیت و تربیت فرزند را با رویکردهایی مورد توجه قرار داده است. از جمله: کتاب «بررسی سیره‌ی تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)»، (داوودی و اعرافی: ۱۳۸۹) که به بحث تربیت اعتقادی، تربیت عبادی و همچنین بیان روش‌های تربیتی پرداخته است.



علاوه بر آن کتاب «سیره‌ی تربیتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)»، (داوودی و حسینی زاده: ۱۳۸۹) ضمن بیان کلیات و مفهوم‌شناسی، به آداب و روش‌های زمینه‌ساز در تربیت و بیان انواع تربیت و اصول مربوط به آن اشاره کرده است.

کتاب «سیری در تربیت اسلامی»، (دلشاد تهرانی: ۱۳۸۷) به موانع و مقتضیات تربیت و مبانی و اصول تربیت و روش‌های تربیت پرداخته است. همچنین این نکته نیز قابل ذکر است که تربیت فرزند نیز در برخی از کتب مورد توجه قرار گرفته، از جمله: کتاب «تربیت فرزند از نظر اسلام»، (مظاهری: ۱۳۹۰) که کتاب حاضر شامل مباحثی همچون اهمیت تربیت اولاد، بحث تعلیم و تربیت اولاد در اسلام و وظایف پدر و مادر در قبال فرزندان می‌باشد.

کتاب «اصول فرزند داری؛ شیوه تربیت فرزند در سیره حضرت علی (علیه‌السلام) و عرفا از کودکی و جوانی»، (ابراهیمی اقلیدی: ۱۳۸۹) که در این کتاب اهمیت تربیت و مراحل تربیت اسلامی فرزند و تربیت فرزند از دیدگاه نهج‌البلاغه مورد بحث قرار گرفته است. کتاب «فرهنگ تربیت»، (عباس اسماعیلی یزدی: ۱۳۸۵) به راه بردها و عوامل تربیت، راهکارها و ابزارهای تربیت، حوزه‌های درونی و بیرونی تربیت و همچنین موضوع کودک و تربیت اشاره نموده است.

در مقاله‌ی «نقش دین در تربیت فرزندان»، (اخلاقی: ۱۳۸۹) مراحل تربیت و راهکارهای دینی بر تربیت را ذکر کرده؛ مقاله «سیره تربیتی امام محمدباقر (علیه‌السلام)»، (پاک‌نیا: ۱۳۸۱) روش‌های تربیت فرزند در سیره امام باقر (علیه‌السلام) را مورد توجه قرار داده و مقاله‌ی «اسلام و تربیت فرزند»، (سلیمیان ریزی: ۱۳۹۳) شرایط پرورش فرزند و عوامل زمینه‌ساز تربیت کودک را ذکر کرده است؛ لذا پژوهش حاضر بر آن است که ضمن توجه قرار دادن ابعاد تربیتی، به صورت مستقل راه‌های الگوپذیری از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در تربیت نسل امروز را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

### مفهوم‌شناسی

جهت روشن تر شدن هر چه بهتر موضوع این مقاله برای خوانندگان گرامی در این بخش به تبیین و تفهیم برخی از مفاهیم کلیدی این پژوهش می‌پردازیم که به شرح ذیل می‌باشد:



### تربیت

واژه «تربیت» در اصل از واژه «رَبَّوْ» گرفته شده که این واژه در اصل به معنی پرورش دادن و تربیت کردن است. (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲)

«تربیت» از دیدگاه اسلام به معنای: ایجاد زمینه‌ی رشد در جنبه‌های مختلف عقلی، فکری، اعتقادی، اخلاقی، عاطفی، روانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ارائه راه درست اندیشیدن و نیکو زیستن به گونه‌ای که آدمی را از مرحله‌ی حیوانیت به مرتبه‌ی کامل انسانی برساند، می‌باشد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

علاوه بر آن گفته شده، «تربیت» عبارت است از:

فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روان انسان مورد تربیت و هدایت آن‌ها در جهت مطلوب و جلوگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری‌ها. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹)

آنچه از تعاریف فوق برداشت می‌شود بدین شرح است: «تربیت» همان ایجاد و فراهم کردن زمینه‌ی رشد در ابعاد مختلف برای رسیدن به سعادت و کمال می‌باشد.

### روش‌های تربیتی

«روش» به طور کلی عبارت از فنون، شیوه‌ها و رفتارهایی است که اهداف و اصول تعلیم و تربیت را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد. (رفیعی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۶۷)

بنا به تعریفی، روش‌های تربیتی شیوه‌هایی است که با استفاده از آن فرد می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزدايد. (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۶، ص ۱۵)

### اهل بیت (علیهم‌السلام) تربیت کنندگان واقعی نفوس مؤمنین:

خداوند متعال ذات اقدس خویش را به «رَبِّ الْعَالَمِينَ» توصیف فرموده است و این بدان معناست که هدایت تکوینی و تشریحی انسان به دست قدرت و توانایی او صورت می‌پذیرد و هم اراده‌ی بی‌منازع اوست که اسباب هدایت را فراهم می‌آورد.



پس از هدایت و تربیت الهی، کار هدایت و تربیت، به انبیاء و اوصیای آنان موکول شده و آن‌ها واسطه فیض و رحمت الهی اند و اصولاً فلسفه وجودی آنان نیز همان انسان‌سازی است. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰، ص ۶۳)

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) نیز که واسطه‌ی بین خدا و خلق او هستند و حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازها و استعدادهای او را می‌شناسند و بیوت شریفشان محل نزول وحی است که در بردارنده‌ی قوانین کامل الهی و تأمین‌کننده‌ی صلاح و سعادت بشر است، در واقع مجریان اراده‌ی الهی و تربیت‌کنندگان حقیقی نفوس مؤمنین هستند. امیر مؤمنان (علیه السلام) در سفارش‌های خود به کمیل (علیه السلام) می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَدَّبَهُ اللَّهُ وَهُوَ (ع) أَدَّبَنِي وَ أَنَا أُوَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُوَرِّثُ الْأَدَابَ الْمُكْرَمِينَ؛ ای کمیل! خدای بزرگ رسول گرامی خود را تربیت فرمود. رسول خدا (ص) نیز تربیت مرا عهده‌دار بود و من به تربیت مؤمنین همت گمارده (هدایت و رشد و تربیت آنان توسط من صورت می‌پذیرد و در واقع منم که) ادب را برای آنان که مورد نظر و اکرام خداوندی قرار گرفته به ارث می‌گذارم.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۱).

با توجه به این واقعیت است که در فرآیند خودسازی و برنامه‌های تربیتی و آموزه‌های اخلاقی از رابطه معنوی با ائمه معصومین (علیهم السلام) و توسل به ذیل عنایتشان و استمداد از ارواح طیبه آنان نباید غفلت ورزید.

### اهل بیت (علیهم السلام) الگوهای عملی تربیت

از برجسته‌ترین تلاش‌های ائمه (علیهم السلام) در راستای وظایف رهبری جامعه، گردآوردن مؤمنان و تربیت معنوی آنان می‌باشد.

ائمه (علیهم السلام) با تربیت شاگردان از طریق جویبارهای غنی خویش آنان را از پاک‌ترین منابع مورد اعتماد اندیشه‌ی اسلامی آگاه می‌ساختند و هدف آن‌ها این بود که اندیشه و دل‌های مؤمنان را از انحرافات محفوظ داشته و پایه‌های اعتقادی آن‌ها را محکم کنند و رابطه بین آن‌ها و عالم معنا باشند.



اهل بیت (علیهم السلام) با این تلاش توانستند نسلی مقاوم از انسان‌های مؤمن تربیت کنند، نسلی که به علم، ایمان، تقوا و اخلاص مسلح شدند و در نتیجه الگو و پیشوای شیعیان بودند. کسانی همچون یحیی بن ام الطویل، فضیل عیاض، ابن بن تغلب، ابو حمزه ثمالی که به حقیقت شایستگی الگو شدن را داشتند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۷۸)

بنابراین اهل بیت (علیهم السلام) حق معلمی بر ما دارند به خاطر علومی که از طرف خداوند به ما یاد دادند و هم حق تربیت بر ما دارند؛ چون در اخلاق و صبر و شجاعت و تقوی الگویی ما بوده‌اند و ما را از آینده خود آگاه کرده‌اند.

### اهل بیت (علیهم السلام) الگوهای معنوی برای بشر

نظرها و تنوع حالات ذهنی و شرایط درک‌های متضاد به قدری در انسان‌ها مختلف است که طی این مسیر حقیقتاً بدون الگو و راهنمایی راهنمایان الهی (ائمه) در تاریکی‌های زندگی امکان‌پذیر نیست.

همچنین اگر انسان در طول مسیری که طی می‌کند مطابق با علامات و نشانه‌هایی که در مسیر نصب نموده‌اند، حرکت کند و از علائم آن پیروی نماید، می‌توان پیش‌بینی کرد که سفر او در این راه بی‌خطر خواهد بود. مسلماً انسان در طول مسیر معنوی زندگی نیز نیاز به این علائم و نشانه‌ها دارد که اگر به این علائم و نشانه‌ها نیز توجه نماید، می‌توان تصور کرد که زندگی خوشی در انتظار اوست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ)؛ (نحل / ۱۶) «و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرارداد] و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه‌یابی می‌کنند.»

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق آمده است:

«قَالَ النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ الْعَلَامَاتُ هُمُ الْأَائِمَّةُ؛ ستاره اشاره به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و علامات، ائمه (علیهم السلام) می‌باشند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۶؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۳۰۸)

اهل بیت (علیهم السلام) از جمله افرادی بودند که تمام مراحل زندگی‌شان سرشار از معنویت بود و صفات آن بزرگواران نیز، نموده‌هایی از روح بلند و معنوی آنان به شمار می‌رود. در روایت وارد شده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا



فَأَنَّهُمَا لَنْ يُفْتَرَفَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْحَوْضِ؛ من در میان شما دو میراث بزرگ و گران‌بها (دو میراث معنوی) می‌گذارم: یکی کتاب خداوند و دیگری عترت و اهل‌بیت خودم. توصیه می‌کنم که به این دو تمسک جوئید.» (شهید اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۵؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۸)

طبق حدیث پیامبر گرامی اسلام، برای رسیدن به خوشبختی و رسیدن به معنویت باید به او تمسک جست و از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که الگوی راستین اسلام هستند کمک گرفت.

### روش الگودهی در تربیت

«الگو» به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه و ... می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه الگو)

در این روش، مربی می‌کوشد نمونه‌ی رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید مربی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد. (زارعی، ۱۳۹۲، ص ۶۹)

مؤثرترین و کارسازترین وسائل و روش‌های تربیتی، الگودهی و ارائه مصداق عینی می‌باشد؛ و ما نیز در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برای انتخاب راه و برای اقتباس از شیوه‌ی صحیح زندگی الگوها و اسوه‌های روشن و ثابتی همچون اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در مسیر زندگی مان داریم و از این اسوه‌ها و الگوها جهت تربیت نسل امروز خود نیز می‌توانیم بهره بگیریم؛ چرا که آن‌ها برای تمامی اعصار و جوامع می‌توانند الگو باشند.

از سوی دیگر اگر رشد انسان در مراحل اولیه‌ی کمال «دوران نوجوانی و جوانی» در کنار سمبل‌ها و الگوهای کاملی قرار نگیرد، نسل جوان با بحران‌های زیادی روبرو خواهد شد.

امام علی (علیه‌السلام) در رابطه با روح سمبل‌خواهی و ضرورت وجود الگوهای کامل می‌فرماید: «... الا و انّ لكلّ مأموم اماما یقتدی به و یستضئ بنور علمه...؛ ... آگاه باشید که هر پیرو و مأمومی، امام و پیشوایی دارد که باید از او پیروی نماید و از نور دانش او بهره گیرد...» (دبلی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۹)

کمال انسان در گرو الگوپذیری می‌باشد و از این جهت است که هر نوجوان و جوانی که صلاح و سعادت خویش را می‌خواهد باید در پی گزینش الگوی برتر باشد.



### معیار الگوی صحیح در قرآن و روایات

الگوها آن شیوه‌هایی هستند که از فرهنگ نشئت می‌گیرند و افراد به هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سروکار دارند و اعمال آن‌ها با این الگوها تطابق می‌یابد. (اسدی پویا، ۱۳۸۵، ص ۱۲)

در قرآن کریم خداوند برای الگوی نمونه معیارهایی را ارائه نموده است از جمله آن که می‌فرماید: (...قَبَشْرُ عِبَادِ\* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ)؛ «... بندگان من که: به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان» (زمر/ ۱۷ و ۱۸)

همچنین امام صادق (علیه‌السلام) در توصیه به انتخاب الگو می‌فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ، فَتَصَدَّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ؛ پرهیز از اینکه بدون دلیل کسی را به رهبری خود برگزینی و بدون چون و چرا تمام گفته‌های او را تصدیق نمایی.» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۲۵)

### الگوهای مورد توجه قرآن کریم در امر تربیت

در قرآن کریم برای تربیت عملی انسان، در وجوه مختلف الگو معرفی شده است. پیام‌آوران الهی نمونه‌هایی نیکویند تا راه و رسمشان آموخته و عمل شود.

خدای سبحان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به عنوان الگویی کامل و جامع و قابل پیروی معرفی می‌کند تا مسیر تربیت عملی و نهایت آن مشخص گردد.

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)؛ (احزاب/ ۲۱) «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

راه و رسم پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، راه و رسمی کامل است تا مسلمانان می‌توانند کلیه‌ی اعمال و رفتار خود را با آن بسنجند و در پی آن حضرت روند تا سعادت هر دو جهان را به دست آورند.





روش الگویی بهترین وسیله برای انگیزه بخشیدن، جهت دادن و راه بردن مترئیان است. قرآن کریم سیرت حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) و پیروان او را سیرتی نمونه برای بیزاری جستن از کفر و باطل و ارادت و نزدیکی جستن به ایمان و حق معرفی می‌کند.

(إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ)؛ (ممتحنه/۴) «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.»

ارائه این نمونه‌ها و توصیف نمونه‌های بسیار دیگر در قرآن کریم نشانه‌ی اهمیتی است که در این کتاب جامع الهی برای روش الگویی در تربیت شده است که به واقع این روش از جمله مفیدترین روش‌های تربیت است.

همچنین حضرت یوسف (علیه‌السلام) الگوی برتر دیگری است که می‌تواند آدابش برای دیگران سرمشق باشد. در آیات قرآن کریم وارد شده است:

(وَإِذْ دَخَلْنَا فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ \* وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ)؛ (یوسف/۲۳ و ۲۴) «و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشت کاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود؛ و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند. زن گفت: کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود.»

امام سجاد (علیه‌السلام) در تفسیر این بخش از آیه که می‌فرماید:

(... لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ...) فرمودند: «قَالَ قَامَتِ امْرَأَةُ الْعَرَبِيِّ إِلَى الصَّنَمِ فَأَلْقَتْ عَلَيْهِ تَوْبًا فَقَالَ لَهَا يُوسُفُ مَا هَذَا قَالَتْ اسْتَحْيِي مِنَ الصَّنَمِ أَنْ يَرَانَا فَقَالَ لَهَا يُوسُفُ أَسْتَحْيِينَ مِمَّنْ لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُفْقَهُ وَلَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَلَا اسْتَحْيِي أَنَا مِمَّنْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَعَلِمَهُ فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ [لَوْلَا



أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ]؛ همسر عزیز مصر به سمت بت رفت و پارچه‌ای بر او افکند. یوسف (علیه السلام) به وی گفت: این چه کاری است؟ زن گفت: خجالت می‌کشم که بت ما را ببیند. یوسف (علیه السلام) به وی گفت: تو از چیزی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و درک نمی‌کند و نمی‌خورد و نمی‌آشامد، حیا می‌کنی و من از کسی که انسان را آفرید و به او آموخت، حیا نکنم؟! این است معنای سخن خداوند: [اگر برهان پروردگارش را ندیده بود]» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۵)

همان‌طور که بیان گردید، همسر عزیز مصر تصمیم بر کام‌جویی از یوسف داشت و نهایت کوشش خود را در این راه به کار برد، یوسف هم به مقتضای طبع بشری و اینکه جوانی نوحاسته بود و هنوز همسری نداشت و در برابر هیجان‌انگیزترین صحنه‌های جنسی قرار گرفته بود. چنین تصمیمی را می‌گرفت اما روح ایمان و تقوی و تربیت نفس و بالأخره مقام عصمت او در این مسیر بود که وی را از انحرافات حفظ کرد.

مقام معظم رهبری در زمینه‌ی الگو برای جوانان می‌فرماید: «شما امیرالمؤمنین را فقط به عنوان یک چهره‌ی دوران چهل ساله، پنجاه ساله و شصت ساله ببینید... درخشش امیرالمؤمنین در دوران جوانی همان الگوی ماندگار است که همه‌ی جوانان می‌توانند آن را سرمشق خودشان قرار بدهند.» (طهماسبی، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

لذا سخن این است که اگر نسل امروز ما در زندگی خود همچنین بزرگوارانی را الگو قرار دهند به وضوح در مسیر زندگی خود برای رسیدن به کمال و عزت مؤفق خواهند بود؛ چرا که نقش الگوها حساس‌ترین نقش تربیتی است تا جایی که الگوهای پاک و با فضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کنند و الگوهای ناپاک و بی‌فضیلت، جوامع را به سوی ناپاکی و رذایل برمی‌انگیزند. آن همه تأکیدی که بر نقش الگوها شده بدین خاطر است. الگوها چون مقبول واقع شوند دیگران را مطابق خود می‌سازند، چنان که هر هنری که استادی داشته باشد، جان شاگردش بدان هنر متّصف می‌شود.



### الگوهای تربیتی نسل امروز

انسان بر اساس فطرت خود که عشق به کمال مطلق دارد، الگوطلب و الگوپذیر است. روش استفاده از الگوها و اسوه‌ها که از آن می‌توان به روش «الگویی» نام برد، یکی از بهترین روش‌ها و کوتاه‌ترین راه‌های تربیت است و از کارآمدی بالایی برخوردار است. از این جهت است که امر الگودهی به نسل امروز (کودکان، نوجوانان و جوانان) باید مورد توجه قرار گیرد و الگوهای این افراد با یکدیگر متفاوت است که در ذیل به برخی از الگوهای تربیتی مورد توجه نسل امروز می‌پردازیم:

#### الف) والدین

چون اسلام سرمشق دادن را بزرگترین وسیله‌ی تربیت می‌داند، پایه‌ی روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر روش الگویی استوار می‌کند. والدین به عنوان نخستین تربیت‌کننده‌هایی هستند که بذره‌ای تربیت را در جان طفل می‌کارند و رفتار و طرز تفکر آنان او را می‌سازد.

از دیگر سوی، تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه‌ی اول والدین اویند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد.

از این رو، الگو قرار دادن والدین در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک به شدت نقش دارد. تلقی کودکان از والدین در سال‌های نخست کودکی به نقش الگویی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن می‌زند، زیرا کودکان در این ایام همه چیز خود را از والدین و وابسته به ایشان می‌دانند. (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴)

نقش الگویی والدین در تربیت فرزندان به اندازه‌ای، دارای اهمیت است که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) آنان را تأثیرگذار بر سرنوشت فرزندان می‌داند چنان که می‌فرماید:



«کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه؛ هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می‌آید، پس پدر و مادر او را به دین یهود و نصرانی و زرتشتی گرایش می‌دهد.» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹ ق، ج ۱، ص ۱۵۱؛ ابن فهد حلی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۲۹۶)

شاید در شرح این روایت بتوان این مطلب را یادآور شد که: تأثیرپذیری الگویی فرزندان از والدینشان به اندازه‌ای است که کودکی که می‌بیند پدر و مادرش دروغ می‌گویند، ممکن نیست راستی بیاموزد. فرزندی که در خانواده از پدر خود خشونت می‌بیند، نمی‌تواند در رفتار با دیگران مهربان باشد. و همچنین فرزندی که مادر خود را بی‌پروا نسبت به هر ننگ و عاری مشاهده می‌کند فضیلت نخواهد آموخت.

همچنین در روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) در باب الگو بودن والدین در تربیت فرزندان وارد شده که فرموده‌اند:

«بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطْنُونَ أُنْكُمْ تَرَزُّوهُمْ؛ به فرزندانتان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۷۷)

بنابراین نقش الگویی اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر برای کودکان روشن‌تر از آن است که بتوان آن را انکار کرد. فرزندان به خصوص در زمان کودکی برای تأثیرپذیری از دیگران از جمله، والدین سراپا چشم و گوش هستند و با دیدن رفتاری از آنان به دنبال انجام دادن آن برمی‌آیند. از اینجاست که والدینی که بدون توجه به نقش‌پذیری فرزندان در روابطشان با دیگران ضوابط اخلاقی را رعایت نمی‌کنند، با هر لباسی ظاهر می‌شوند و هر سخنی بر زبان می‌آورند، اسباب انحراف و لغزش فرزندان را فراهم کرده‌اند، لذا سزاوار است خانواده پاک باشد، با ایمان و پرهیزگار باشد تا نسلی پرورش یابد که مبادی و آداب اسلامی در جانشان محقق گردد. این اصول و تعلیمات اسلامی را مستقیماً از سرمشقی فرا گیرد که او هم از رسول خدا و ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) آموخته باشد.

### ب) شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی‌اند (زاماداران)

پس از والدین، شخصت‌هایی که دارای نفوذ معنوی‌اند، نقش الگویی به سزایی در تربیت بازی می‌کنند، به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های آنان مورد تقلید قرار می‌گیرد.



در این رابطه از امام علی (علیه السلام) روایت شده که فرموده‌اند: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۶) به همین دلیل است که نقش الگوها حساس‌ترین نقش تربیتی است تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد مردم را به فساد می‌کشانند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند:

«صنّفان اذا صلّحا صلّحت اُمّتی و اذا فسدا فسدت اُمّتی: الأمراء و الفقهاء؛ دو گروه از جامعه و امت من هستند که با شایسته‌کرداری و صلاح آنان، جامعه اصلاح خواهد شد و به پروا و شایستگی روی خواهد آورد و اگر به تباهی اندیشه و عقیده و عمل گرایش یابند جامعه را به تباهی سوق خواهند داد. این دو گروه عبارت‌اند از زمامداران و دانشوران و دانشمندان دینی.» (ابن نماحلی، پیشن، ص ۵۰)

### ج) دوستان و همسالان

دوستان و همسالان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت فرزندان به حساب می‌آیند و می‌توانند برای فرزندان یک نقش الگو را ایفا کنند. فرزندان به خصوص در دوران نوجوانی و جوانی خود گرایش زیادی به دوستان دارند و فرصت زیادی را به همنشینی با آنان اختصاص می‌دهند.

اهل بیت (علیهم السلام) در سیره‌ی تربیتی خود توجه ویژه‌ای به نقش تربیتی دوستان معطوف داشته‌اند. امام علی (علیه السلام) در وصیت به فرزندشان امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید:

«... إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التَّهْمَةِ - وَ الْمَجْلِسَ الْمَظْنُونِ بِهِ السُّوءِ فَإِنَّ قَرِينَ السُّوءِ يُعَيِّرُ جَلِيسَهُ...؛ از حضور در محل‌های تهمت‌زا و مجلسی که گمان‌بدی در آن می‌رود پرهیز، چون همنشین بد همنشین خود را دگرگون می‌کند.» (اریلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۵۳۶)

از دیگر سو بشر در تمام ادوار زندگی از ایام کودکی و جوانی تا روز کهولت و پیری همواره نیازمند رفاقت و دوستی دیگران بوده و است. همان‌طور که از داشتن رفیق و دوست یکدل، احساس مسرت می‌کند و از مصاحبتش خشنود می‌گردد، همچنین از تنهایی رنج می‌برد و از نداشتن هم صحبت شایسته و مناسب، آزرده خاطر و متأثر می‌شود.



رفقا و دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همشینی موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌سازند، بلکه هر دوستی به مقیاس درجه‌ی رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی رفیق خود نفوذ می‌کند و هر یک دانسته یا ندانسته روی عقائد و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارد و به بیان دیگر می‌تواند برای همدیگر نقش الگویی داشته باشند. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۵۲)

قابل ذکر است که کسی نمی‌تواند کشش طبیعی رفیق خواهی را در جوانان از بین ببرد ولی باید به آن عزیزان گوشزد کرد که یک رفیق ناباب می‌تواند در چند جلسه معاشرت دین و تقوی و اخلاقیات ما را به عنوان الگو تغییر دهد بنابراین نوجوانان و جوانان باید توجه داشته باشند تا از بین دوستان کسی را به عنوان الگوی خود برگزینند که او را به سوی کمالات و برتری‌ها سوق دهد.

علاوه بر آن در روایتی داریم:

«وَرَوَى أَنَّ سُلَيْمَانَ ع قَالَ لَا تَحْكُمُوا عَلَيَّ رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّمَا يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَ أَقْرَانِهِ وَ يُسَبِّحُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ إِخْوَانِهِ؛ از حضرت سلیمان (ع) روایت شده که فرمودند: درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا رفقایش را ببینید. چه آنکه آدمی از امثال و اقارنش شناخته می‌شود و به صفات

هم‌نشینان و دوستان صمیمی‌اش توصیف می‌گردد.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۲۷)

بنابراین می‌توان این نکته را یادآور شد که انتخاب دوست به یک معنا، انتخاب شخصیت آینده است؛ زیرا شخصیت آدمی، بر آئند منش دوستانش می‌باشد، لذا باید نوجوانان و جوانان ما از هم‌نشینی با افراد آلوده و بدنام پرهیز نمایند سعی خود را بر آن دارند که دوستی برای خود برگزینند که الگوی تمام کمالی برای آنان باشد.

### نتیجه‌گیری

با دقت در آیات قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت (ع) می‌توان متذکر شد که، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) نیز که واسطه‌ی بین خدا و خلق او هستند و حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازها و استعدادهای او را می‌شناسند و بیوت شریفشان محل نزول وحی است که در بردارنده‌ی قوانین کامل الهی و تأمین‌کننده‌ی صلاح و سعادت بشر است، در واقع مجریان اراده‌ی الهی و تربیت‌کنندگان حقیقی نفوس مؤمنین هستند.



سخن دیگر آنکه مؤثرترین و کارسازترین وسائل و روش‌های تربیتی، الگودهی و ارائه مصداق عینی می‌باشد؛ و ما نیز در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برای انتخاب راه و برای اقتباس از شیوه‌ی صحیح زندگی الگوها و اسوه‌های روشن و ثابتی همچون اهل بیت (علیهم‌السلام) در مسیر زندگی مان داریم و از این اسوه‌ها و الگوها جهت تربیت نسل امروز خود نیز می‌توانیم بهره بگیریم؛ چرا که آن‌ها برای تمامی اعصار و جوامع می‌توانند الگو باشند.

### فهرست منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه: محمدمهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمدبن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲. «به کوشش: مهدی لاجوردی»، تهران: نشر جهان، اول: ۱۳۷۸ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، دوم: ۱۳۸۵ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین. دوم: ۱۴۰۴.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، متشابه‌القرآن و مختلفه، ج ۱. قم: دار بیدارلنشر، اول: ۱۳۶۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، قم: مؤسسه صاحب‌الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف). اول: ۱۴۱۶ ق.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدّه الداعی. ج ۱، مترجم: محمد حسین نائجی، تهران: انتشارات کیا، اول: ۱۳۸۱ ش.
- ابن نما حلّی، جعفر بن محمد، مثیر الأحران، «به کوشش: مدرسه امام مهدی (عج)»، مترجم: علی کرمی، قم: انتشارات حاذق، اول: ۱۳۸۰ ش.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، ج ۱. «به کوشش: هاشم رسولی محلاتی»، تبریز: انتشارات بنی هاشمی، اول: ۱۳۸۱ ق.
- اسدی پویا، جهانگیر، الگوپذیری و شخصیت اجتماعی جوانان، تهران: انتشارات بوستان دانش، دوم: ۱۳۸۵.
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم: انتشارات دلیل ما، اول: ۱۳۹۰.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب، اول: ۱۳۸۴.
- بستانی، فواد أفرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، دوم: ۱۳۷۵ ش.
- حر عاملی، محمدبن حسن، الفصول المهمه فی أصول الأئمّه، ج ۱، «به کوشش: محمد بن محمد الحسین القائینی»، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، اول: ۱۴۱۸ ق.



- خنیفر، حسین، اصول اساسی در تربیت مذهبی، تهران: انتشارات ماهنامه تربیت، وزارت آموزش و پرورش، شانزدهم: ۱۳۷۹.
- دلشادتهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، دهم: ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، «به کوشش: غلامرضا ستوده، اکرم سلطانی و ایرج مهرکی»، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اول: ۱۳۸۵.
- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ج ۲، مترجم: علی سلگی نهاوندی، قم: ناصر، اول: ۱۳۷۶.
- رضایی، صدیقه، نقش امامت در رشد معنوی جامعه، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۷۴: ۶۷-۸۰، ۱۳۸۷.
- رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن، ج ۳، تهران: سمت، اول: ۱۳۹۱.
- زارعی، مجید و راحله کاردوانی، بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا(س) در فرزند پروری با روش‌های تربیتی عصر مدرن، مجله معرفت: شماره ۱۹۲: ۱۳۹۲.
- شهید اول، محمد بن مکی، چهل حدیث، مترجم: محمدعلی کوشا، قم: نهاوندی، اول: ۱۳۷۴ ش.
- طهماسبی، احمد، شیوه‌های رفتار با جوانان از منظر ولایت، قم: انتشارات یاقوت، نهم: ۱۳۸۶.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، نوادر الأخبار، «به کوشش: مهدی انصاری قمی». تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول: ۱۳۷۱ ش.
- کوشاری، رضا، اوضاع در آخر الزمان، ج ۲. قم: انتشارات تهذیب، ششم: ۱۳۹۰.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم: ۱۴۰۷ ق.
- لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، «به کوشش: حسین حسینی بیرجندی»، قم: دار الحدیث، اول: ۱۳۷۶ ش.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضه، ج ۵. تهران: المکتبه الاسلامیه، اول: ۱۳۸۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، ج ۶۶، «به کوشش: جمعی از محققان»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم: ۱۴۰۳ ق.
- محمدزاده، راضیه، فرزند اگر این گونه می‌بود، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، اول: ۱۳۸۶.
- مطهری، احمد، رابطه دوستی و محبت، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چهارم: ۱۳۷۵.
- موسوی کاشمیری، مهدی، روش‌های تربیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، «به کوشش: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام»، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، اول: ۱۴۰۸ ق.